

ادامه از صفحه اول

مدیریت بحران به پیچیدگی روزگار مدرن

افراد کاردان و نخبه و تحصیل‌کرده ایرانی اکنون در واحدهای پژوهش و توسعه در آمریکای شمالی، ژاپن و اروپا مشغول یافتن راه‌حل برای کاهش ریسک سوانح برای آن ممالک هستند.مردم مناطق زلزله‌زده یا درگیر سانحه طبیعی -با ایجاد روبرودایی مانند زلزله‌های ۱۳۸۲ بم، ۱۳۶۹منجیل یا ۱۳۵۷ تبس- عملاً روند عادی زندگی خویش را با زدست‌دادن نزدیکان و بستگان و اعضای خانواده مختل‌شده می‌یابند. فشارهای روانی در چنین هنگامی به حدی است که گاه موجب آسیب‌های روانی و شخصیتی دائمی در افراد مصیبت‌دیده می‌شود. معضل مهم در کشور -به‌ویژه در موارد زلزله‌های منجیل و تبس- فقدان کمک‌های روان‌شناختی پس از وقوع سانحه بوده است. هنگام وقوع حوادثی مانند زلزله ۲۰۱۰ هائیتی، ۲۰۱۱ نیوزیلند، ۲۰۱۱ ژاپن و به‌ویژه زلزله ۲۰۱۵ نپال استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی نظیر فیس‌بوک و توئیتر در تغییر روند امدادسانی در هنگام بروز فاجعه بسیار تأثیرگذار بود. دقیقاً پس از رخداد زمین‌لرزه هائیتی هزارو ۵۰۰ پیام در دقیقه به صورت استاتوس درباره این زلزله در فیس‌بوک به اشتراک گذاشته شد، ضمن اینکه وقوع این زلزله و اخبار حواشی آن موضوع اصلی توئیتر شد. انجمن پاسخ به فجایع طبیعی، هرچند آمادگی سازمان‌شدن این حجم از اطلاعات را در این رخداد نداشت؛ اما درباره چگونگی تطبیق‌دادن این انجمن با انبوهی از اطلاعات که به صورت آنلاین در طول فاجعه‌های پس از این سانحه بود، تدبیرهایی اندیشیده شد. در تابستان ۲۰۱۰، صلیب سرخ آمریکا در یک همه‌پرسی، انتظارات مردم از کاربرد رسانه‌های ارتباطی را بررسی کرد. سؤالی که در این همه‌پرسی مطرح شد، این بود که در صورت وقوع فاجعه و نیاز به برقراری ارتباط با سروس‌های اضطراری هنگام دردرس‌ن‌یودن تلفن آتش‌نشانی (مانند سامانه تلفن ۱۲۵ در ایران) چه می‌کنند؟ یک‌پنجم پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که در این شرایط از واسطه‌های دیجیتال مانند ایمیل یا توئیتر برای کمک استفاده می‌کنند. در پاسخ به این سؤال چیزی که بیش از همه واضح بود، انتظارات غیرمعقول مردم از رسانه‌های ارتباط جمعی بود. بیش از ۵۰ درصد از این پاسخ‌دهندگان در زمان فاجعه برای پاسخ‌گویی و دردرس‌ت‌ی‌ودن از زمان اضطرار معتقد بودند. ۲۴ درصد انتظار کمک‌رسانی در مدت یک ساعت بعد از ارسال یک پست در فیس‌بوک و توئیتر را داشتند؛ درحالی‌که ۲۸ درصد انتظار داشتند همین کمک در مدت ۱۵ دقیقه صورت گیرد. هرچند رسانه‌های ارتباط جمعی باید نقش خود را هنگام وقوع شرایط اضطراری به‌خوبی ایفا کنند، مردم نیز باید انتظارات معقولی از رسانه‌ها داشته باشند. خبرهای اصلی و اولیه در زلزله چهارم اردیبهشت ۱۳۹۴ نپال در ابتدا با پیام‌های کاربران نپالی شبکه اجتماعی توئیتر به دنیا مخابره شد. اولین عکس‌ها و خبرهای این زلزله نیز حاصل پیام‌های همین کاربران در شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و توئیتر بود. جالب است در بازدیدی که از منطقه زلزله‌زده نپال داشتیم، متوجه شدیم که با وجود رشد زیاد استفاده از اینترنت در این کشور بسیار راحت است و عملاً بسیاری از کمبودهای ارتباطی از طریق اینترنت برطرف می‌شود. تجربه سوانح طبیعی اخیر در ایران نشان می‌دهد که وجود مدیران کارآمد که از حادثه جان سالم به در برند یا بتوانند خود را سریع‌ا به کانون حادثه برسانند، بسیار در کاست از تبعات بحران مؤثر است. این فرایند البته بسیار خطرناک نیز باشد. در زلزله بم حضور سردار شهید احمد کاظمی به‌عنوان فرمانده نیروی هوایی سیاه به‌موقع در فرودگاه بم و فعالیت بی‌وقفه ایشان به منظور هدایت عملیات انتقال مجروحان و کمک به مردم منطقه زلزله‌زده بم، به نحو شگفت‌انگیزی در کنترل تبعات ناشی از فاجعه بم کمک کرد. از سویی دیگر در مدیریت امنیت شهری، در ۴۰ ساعت اول پس از فاجعه، کوتاهای‌های مشهودی در هدایت خودروهای امدادرسان و دسته‌بندی‌کردن امدادسانی به مردم مشاهده شد. در این راستا فعالیت‌های سازماندهی‌شده انجام نشد و به این سبب خودروهای امدادرسان با تجمع در مبادی ورودی شهر بم، خود موجب انسداد راه و اختلال در امدادسانی در روز دوم فاجعه بم شدند؛ تا در نهایت نیروی انتظامی و پلیس راه، در شب دوم بعد از حادثه توانستند اوضاع را سامان دهند.

✱ استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی

ادامه از صفحه ۲

دست خالی صداوسیما در برنامه‌سازی مناسبی

...امسال مانند سال‌های گذشته دست به پخش فیلم و سریال‌های تکراری زده‌اند. درحالی‌که ساخت برنامه ملی مناسبی، با فهم نیاز مردم به تاریخ معاصر، امکان ظهور می‌یابد. با این درک تازه، تولید هم‌شکل علمی و جدیدی به خود می‌گیرد. برنامه‌های فعلی، تا با اپاد کلیشه‌ای، تکراری و مبتنی بر تحریک احساسات تولید می‌شوند و از شناخت معرفتی از تاریخ و نسل امروز بی‌بهره هستند، هیچ تأثیر بنیادی‌ای بر جای نخواهند گذاشت، رسانه باید به تحقیقات بها بدهد و متناسب با تکنیک‌های هنری روز پیش برود و شیوه‌های مؤثر بیانیی را به کار گیرد تا بتواند از این وضعیت به درآید. رسانه ملی یا رسیدن به یک رسانه الگو، فاصله‌ای بسیار دارد. یک شوک مثبت می‌تواند رسانه را فرگیر از خواب طولانی بیدار کند اما حقیقتاً چگونه می‌توان به خوابگاه است، کسی نگران نشود!

شکوفه حبیب‌زاده: قرار بود دیروز تکلیف مدیریت جدید شرکت ماشین‌سازی هیکو پس از دستور رئیس جمهور برای رسیدگی به مشکلات کارگران این غول سابق ماشین‌سازی منطقه، مشخص شود؛ آن‌هم در ادامه اعتراض‌هایی که بالاخره صدای کارگران هیکو را به مرکز رساند، اما در پی برخورد صورت‌گرفته با آنها، قربانیانی هم در بین کارگران وجود داشت، بااین‌حال آن‌گونه که مشاور سازمان خصوصی‌سازی خبر داده، پس از برگزاری این جلسه، مقرر شد تب بین سه خریدار بررسی‌هایی صورت گیرد و یکی از آنها انتخاب شود. درواقع هنوز هم جز فسخ قرارداد مدیریت قبلی، اتفاق جدیدی برای هیکو پس از این جلسه رخ نداده است. علیرضا صالح، رئیس سازمان خصوصی‌سازی، گفته بود درحال حاضر چهار تا پنج مشتری برای واگذاری مدیریت رقابت می‌کنند و هر شرکتی که بیشترین تعهد را متقبل شود و ملاحظات سازمان را در نظر بگیرد، می‌تواند مدیریت هیکو را از اختیار داشته باشد. با فسخ قرارداد با شرکت هیدروپالسی (سهام‌دار عمده هیکو) توسط سازمان خصوصی‌سازی به منظور رفع مشکلات شرکت هیکو، شرکت ماشین‌سازی هیکو در مواجهه با سه خریداری قرار گرفت که مشخص نیست کدام یک با چه هدفی برای این غول سابق ماشین‌سازی، برنامه چیده‌اند. از سویی به گفته معترف سبحانی، مشاور سازمان خصوصی‌سازی، پرداخت حقوق کارگران جزء تعهدات خریدار جدید است و تا وقتی مدیریت جدید بر سر کار نیاید، خبری هم از انتقاد اصلی کارگران این شرکت نیست. از آن‌سو، نگرانی‌ها درباره سرنوشت شش کارگری که هنوز آزاد نشده‌اند و البته احضار ۱۰ کارگر دیگر، کماکان ادامه دارد. در اعتراض به شیوه برخورد با کارگران، برخی مسئولان نیز همراه هستند. در این زمینه، کریم یاوری، مدیرکل حمایت از مشاغل و بیمه بی‌کاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به اینا گفته است: «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بازداشت کارگرانی که صرفاً برای مطالبات قانونی و حقوق معوقه به صورت مسالمت‌آمیز اعتراض می‌کنند، مؤکدا مخالف است. این وزارتخانه پیگیری آزادی کارگران بازداشتی هیکو بوده و پیگیری‌ها تا رفع بازداشت از همه کارگران ادامه دارد». در مورد پیگیری سرنوشت اعتراضات کارگران هیکو، با علی خدایی، نماینده کارگران در شورای‌عالی کار گفت‌وگویی کوتاه داشتیم. او با ابراز نگرانی از روش برخورد با کارگران، از شیوه برخورد با فعالان کارگری نیز سخن گفت که نگرانی‌ها را در جامعه کارگری تشدید کرده است.

✱ **با توجه به اعتراضات اخیر کارگران هیکو، شش نفر از کارگران کماکان آزاد نشده‌اند. فارغ از بحث واگذاری، از منظر حقوقی تا چه اندازه این اعتراض حق کارگران است و تا چه اندازه شیوه برخورد با آنها درست بود؟**

از نظر حقوق شناخته‌شده‌کار، ماجرای اعتراض کارگری تکلیفش مشخص است. سازمان بین‌المللی کار، دو ماقوله‌نامه در این زمینه دارد که اعتراض صنعتی کارگری جزء ابزار شناخته‌شده جهانی برای کارگران است که به مطالباتشان برسد. اخبار مختلف در مورد اعتصابات دنیا می‌بینید. حداقل جامعه ما نسبت به اعتصابات در سطح جهانی که در صداوسیما پوشش داده می‌شود، آگاهی دارد؛ مثلاً به دلیل اعتصاب کارکنان هواپیمایی لوف‌هانزا، پروازها لغو می‌شود و به‌هیچ‌عنوان محل امنیت ملی و امنیت عمومی شناخته نمی‌شود. آنچه مشخص است و برای همه آشکار است اینکه اعتراض کارکنان هیکو به‌خاطر دریافت‌نکردن بیش از چهار، پنج ماه حقوق در این وضعیت معیشتی و از طرف دیگر وضعیت مالکیت کارگاه و نحوه اداره آنجاست. قطعاً از نظر اعتقادات شناخته‌شده بین‌المللی، مداخله در امور صنفی نباید رخ دهد. پیگیری‌ها ادامه دارد و بعضی نهادها رأسا برای حل مشکل به ماجرا ورود کرده‌اند و برای آزادی ۲۰ کارگر حداقل با گروه‌های کارگری همکاری صورت

گرفته و پیگیری‌ها برای آزادی باقی کارگران در بند نیز ادامه دارد. دوستان ما در شورای اسلامی کار استان مرکزی در حال پیگیری هستند و ما هم در تهران کمک‌های لازم را برای آزادی انجام می‌دهیم.

✱ **علت آنکه این بازداشت ادامه‌دارشده، چیست؟**

ماجرای فعالیت‌های صنفی در کشور ما متأسفانه ماجرای پیچیده‌ای شده است. اعتراض معلم‌ها و زنان را در نظر بگیرید. معلمان هم مطالباتی دارند که باید پیگیری کنند. اینکه اسمش را جنبش بگذاریم یا نه خیلی تفاوتی ندارد. حتی من با واژه جنبش موافق نیستم. جنبش نیست، مطالبه و گرفتن حق طبیعی است و کسی هم نمی‌تواند حضور ذی‌نفعان را برای پیگیری مطالباتشان نفی کند. آفتی که در این زمینه وجود دارد، سوءاستفاده‌ها و موج‌سواری‌هایی است که در این زمینه صورت می‌گیرد. در مورد هیکو با نیشکر هفت‌په متأسفانه آسیب‌دیده نهایی کارگران بوده‌اند. وقتی موضوع حل می‌شود، سلفی‌گرفتن با کارگران شروع می‌شود. به محض اینکه مشکلات عدیده می‌شود، گروه‌های داخلی و جناح‌های مختلف سعی می‌کنند بهره‌برداری کنند و خارجی‌ها هم سعی می‌کنند این را سیاسی و ضد امنیت ملی جلوه دهند. به نظر حتی کارگران هفت‌په و هیکو قربانی بی‌فایتی‌ها و تخیلف از قانون‌ها هستند. قربانی مشکلاتی هستند که بر آنها تحمیل شده است و در زمان اعتراض قربانی جریان‌های مختلف سیاسی هستند که برای منافع گروهی و جناحی‌شان کارگران را طعمه قرار می‌دهند. در حال حاضر علت بازداشت این شش نفر حداقل برای من که نماینده کارگران هستم، هنوز مشخص نیست اما خیلی‌ها سعی می‌کنند جریان اعتراضات کارگری را منحرف کنند و این نگرانی هست که خدای ناکرده از این اتفاق‌ها در مراحل پیگیری حقوق کارگران، اثر بگذارد. پیگیری‌ها برای آزادی‌شان کماکان ادامه دارد. متأسفانه گاهی، برخی افراد، فضا را برای برخورد با کارگران، هدیه می‌دهند. زمانی‌که مطالبات صرفاً صنفی است و تبدیل به ابعاد دیگر اعتراضات نشده، از حاشیه امنی برخوردار است، اما به محض اینکه گروه‌های مختلف سوءاستفاده می‌کنند، ماجرا سمت و سوی دیگری می‌گیرد.

✱ **علت برخورد با کارگران را در شرایط کنونی چه می‌دانید؟**

وقتی کارگر هیکو روی ریل راه‌آهن روی‌مورد باید دلیش را بررسی کنیم. یکی از کارگران هیکو اعلام کرده بود مدیرعامل قبلی گفته بود اگر می‌خواهید به حق و حقوقتان برسید باید روی ریل راه‌آهن بروید. به جز آن، وقتی در استان کارشان را پیگیری می‌کنند، همه مسئولان استان حاضر می‌شوند و می‌گویند مشکل شما در استان قابل حل نیست و باید در سطح کشور حل شود. شما عملاً برای کارگر هیچ راهی نمی‌گذارید جز اینکه صدایش را به گوش تهران برساند. از طرف دیگر هم راهکار می‌دهید که با بستن ریل راه‌آهن صدایت به تهران می‌رسد. در عمل هم ثابت شد که این‌طور است.



تا زمانی که این اتفاق نیفتاده بود به دنبال حل مشکل هیکو نبودند و بعد از آن بود که پیگیری‌ها برای حل مشکل شروع شد. این کارگر به هر دلیلی روی راه‌آهن رفت، برای مطالبه بحقش بوده است. خدای ناکرده مخالفتی با امنیت ملی و امنیت مردم و نظام ندارد. فراموش نکنیم امنیت ملی از امنیت فرد فرد افراد عبور می‌کند. وقتی در جامعه‌مان امنیت زندگی شخصی کارگری به دلیل نداشتن پول از بین رفته و شیرازه زندگی‌اش از هم پاشیده است، مطالبه اینکه تو باید به فکر امنیت ملی باشی، به اعتقاد من مطالبه صحیحی نیست. کارگری که روی ریل راه‌آهن رفته، امنیت خانوادگی و فری‌اش کلا از بین رفته است. کماکان مجبور هستیم به کارگرا به چشم قربانی ماجرا نگاه کنیم. حتی اگر برای کارگران هیکو اتهامی مبنی بر اخلاف در امنیت عمومی در نظر گرفته شود، از نظر من رد است. به این دلیل که درباره امنیتی صحت می‌کنیم که قبل از این اتفاقات، آن امنیت برای کارگران از بین رفته است با توجه به این مسائل امیادورم هرچه سریع‌تر شش نفر باقی‌مانده آزاد شوند.

✱ **این اتفاق درباره کارگران هفت‌په هم رخ داد؛ برخورد و صدور احکام سنگین. دیدگاه فعالان کارگری در این زمینه چگونه است؟**

درباره کارگران هفت‌په هم کماکان معتقد احکام صادره بسیار سنگین است. حداقل این است حتی اگر حکمی که برای کارگران ثابت شده است دلیل داشته باشد، برای من به‌عنوان فعال کارگری در سطح ملی مبهم است. روش برخورد با فعالان کارگری قطعاً روش درستی نیست و ما هم قربانی این ماجرا هستیم. شکایتی از آقای حسین حبیبی به‌عنوان دبیر کانون شورای استان تهران و عضو هیئت مدیره کانون شورای عالی کار سراسر کشور شد. او در محاکمه‌ای که چهار ماه حبس و چهار میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شد. او پیگیر امنیت شغلی کارگران بود. متأسفانه دیوان عدالت اداری علیه او شکایت کرد. این برای اولین‌بار است که یک فعال رسمی و قانونی و شناخته‌شده کارگری محکوم می‌شود.

✱ **این حکم چه زمانی صادر شد؟**

یک ماه است که رای ایشان صادر شده. البته رای در مرحله اعتراض است.

✱ **اتهام وارده چه بود؟**

الب است اتهام، و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی است. کل صحبت آقای حبیبی این بوده که بخش‌نامه‌ای را وزارت کار صادر کرده است، یورو آن بخش‌نامه، دیوان عدالت اداری دادنامه شماره ۱۷۹ را صادر کرده و آن دادنامه باعث انعقاد قراردادهای موقت شده است. نظر آقای حبیبی (مثل من) این است که به‌واسطه آن دادنامه، قراردادهای موقت در کشور جاری شده که ظلم به کارگران است. کجای این گفته، نشر اکاذیب است؟ یک نفر مصداق نشر اکاذیب را برای ما تشریح کند. چه کسی تشخیص می‌دهد که قصد آقای حبیبی تشویش اذهان عمومی



کارشناسان روش‌های تأمین ۱۵۰ هزار میلیارد تومان کسری را بررسی کردند بازبینی بودجه شبه‌دولتی‌ها

پیش‌بینی‌شده در بودجه مصوب سال ۹۸، ۳۸ هزار میلیارد تومان بیشتر از آینده قرض بگیرد. براساس گزارش تسنیم نرخ سود اسمی اوراق مالی اسلامی موضوع این تصویب‌نامه، از سوی کمیته‌ای که در قانون بودجه ۹۸ پیش‌بینی شده است، تعیین خواهد شد.

اشتباه محاسباتی در درآمدهای فروش نفت

چرا دولت برای دومین بار مجوز انتشار اوراق مالی اسلامی دریافت می‌کند و آیا راه دیگری برای تأمین کسری بودجه وجود ندارد. وحید شقاق‌شهری، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با «شرق» بیان می‌کند: برآورد‌ها نشان می‌داد دولت در سال ۹۸ بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه خواهد داشت. دولت و مجلس بودجه را براساس فروش یک‌ونیم میلیون بشکه نفت در روز به تصویب رساندند و همان موقع هم اخطار و هشدار به مجلس و دولت درباره امکان‌پذیرنبودن صادرات این میزان نفت داده شده بود. او اضافه می‌کند: ترامپ در اردیبهشت سال جاری معافیت کسور برای خرید نفت از ایران را لغو کرد و این مسئله صدور نفت خام ایران را به‌شدت کاهش داد. دولت و مجلس بعد از اعمال این تحریم‌ها دوباره شروع به اصلاح بودجه با احتساب فروش ۳۰۰ هزار بشکه نفت کردند. حاصل این اقدامات نشان می‌دهد در سال جاری دولت بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه دارد. به گفته شقاق‌شهری برای پوشش کسری بودجه دولت جلسه شورای هماهنگی سران قوا تشکیل شد. در این جلسه چهار راهکار برای جبران کسری‌ها در سال جاری در نظر گرفته شد. مولدسازی دارایی‌های دولت، برداشت

نماینده کارگران در شورای عالی کار از شرط عجیب مدیرعامل سابق هیکو برای پرداخت دستمزد کارگران خبر داد

حقوق می‌خواهید روی ریل بروید

دیوان عدالت اداری برای اولین بار علیه نماینده کارگران حکم صادر کرد

بوده؟ ابهامی که در صدور این حکم وجود دارد، از اینجا نشئت می‌گیرد که اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی برای شخص آقای حبیبی بعد از ۳۰ سال فعالیت که صادر می‌شود، برای ما روشن نشد. کدام‌یک از حرف‌های او کذب بوده؟ قصد او را چه کسی تشخیص داد؟ او ۱۵ سال است درباره امنیت شغلی کارگران می‌گوید. درباره احکامی که برای کارگران هفت‌په صادر شده، این نگرانی هم وجود دارد که اتهامات از این دست باشد.

✱ **در نگاهی تحلیلی، تا چه اندازه خصوصی‌سازی را عاملی برای آسیب به کارگران در سال‌های گذشته می‌دانید؟**

تجربه گذشته تجربه خوبی نیست. دست‌کم در شرایط کنونی جامعه موافق خصوصی‌سازی نیستیم. اعتقادم این است که با روش‌های موجود، شاید خصوصی‌سازی اشتباه باشد. در واگذاری شرکت‌های شستا درباره صحبت‌های آقای وزیر و رئیس‌جمهور دقت کنید، دائماً می‌گویند می‌خواهیم شرکت‌های زیان‌ده را واگذار کنیم. خب قرار است با واگذاری این شرکت‌ها چه اتفاقی بیفتد؟ چه شخصی حاضر است به نیت تولید، یک شرکت زیان‌ده را بخرد؟ قطعاً این فرد نیش تولید نیست؛ چون ساختارها فرسوده است. در واگذاری‌های دولتی هم عمداً (به جز نورچشمی‌ها) شرکت‌های زیان‌ده واگذار شده که زیرساخت‌ها از بین رفته یا مدیریت‌ها با خطا بوده است. در کل تجربه موفقی از خصوصی‌سازی سراغ ندارم. متأسفانه عمده خصوصی‌سازی‌ها به نیت برچیده‌شدن کارگاه‌ها بوده و به روند بسیار خطرناکی که ایجاد شد، کم پرداخته شده است. خیلی جاها عامدانه شرکت‌ها زیان‌ده شدند تا واگذار شوند. بعد از واگذاری، تولید کلا جمع شد و ملک استفاده شد. خریدار به نیت زمین کارخانه را تحویل گرفت؛ نه به نیت ادامه تولید و قطعاً در تمام این موارد کارگران آسیب دیده‌اند. از یک منظر این سرمایه‌ها که واگذار شده، سرمایه‌های ملی بوده است. ملک کسی نبوده که بخواد واگذار کنند و ما صرفاً نگران کارگران باشیم. اموال ملی بوده که به ثمن بخش فروخته شده و جدی‌ترین آسیب‌دیدگان دراین‌میان هم کارگران بوده‌اند. خصوصی‌سازی در کشور ما حتی اگر خودمانی‌سازی هم نباشد که بوده و حتی اگر غلط اجرا نشده باشد که شده، متأسفانه درحال‌حاضر تجربه موفقی نیست، یکی از شرکت‌های دولتی که از خصوصی‌سازی دچار بحران شده، شرکت بین‌المللی خلیج فارس است. این شرکت قبل از واگذاری با رانت‌های دولتی یا قرارداد دولتی حمل‌ونقل کندم کشور را انجام می‌داد. بافلاصه بعد از خصوصی‌سازی این شرکت، قرارداد حمل‌ونقل کندم لغو شد. به فرض که کارفرما به نیت ادامه کار، شرکت را تحویل گرفته

یا دربار هیکو تا زمانی که دولتی بود، ماشین‌آلات راه و شهرسازی در این شرکت ساخته می‌شد و بعد از واگذاری، در مقطعی مجوز واردات ماشین‌های راهسازی و معدنی دست‌دوم صادر می‌شود که هیکو را زمین می‌زند. تصور کنید خودروسازی‌های بزرگ اگر رقابت ندارند؟ قطعاً ندارند. اعتقادم این است که ما دچار دوگانگی محض بین تئولیرالیسم و سیاست‌های اقتصادی خودمان هستیم. از یک طرف دنبال سیاست بازار آزاد، پیوستن به بازارهای جهانی و زدودن حمایت‌های دولتی هستیم و از آن سو، ابزارهای رقابت دست هیچ‌کس نیست. شرایط ما این اجازه را نمی‌دهد که بتوانیم با دنیا تعامل کامل داشته باشیم. از طرف دیگر زیرساخت‌ها برای جهانی‌شدن آماده نیست. شما می‌خواهید مرزها را باز کنید، قبل از اینکه خودتان را تقویت کرده باشید. طبیعی است که صنعت خودتان از بین خواهد رفت. تصور کنید خودروسازی‌های رقابت وجود ندارد و به‌این‌ترتیب قطعاً خصوصی‌سازی محکوم به شکست خواهد بود.

از منابع صندوق توسعه ملی، برداشت از حساب ذخیره ارزی و مرحله آخر انتشار اوراق مالی اسلامی چهار راهکاری بود که در جلسه سران قوا مطرح شد.او ادامه می‌دهد: در بودجه سال ۹۸، انتشار ۴۴ هزار میلیارد تومان اوراق مالی دیده شده بود. با رقم ۳۸ هزار میلیارد تومان فعلی، کسری بودجه دولت حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شود؛ اما فروش اوراق مالی اسلامی به مفهوم آینده‌فروشی منابع است؛ زیرا اصل و سود این اوراق را باید سال بعد برگردان‌د.این کارشناس اقتصادی با اشاره به اینکه استفاده از اوراق مالی اسلامی برای پوشش‌دادن هزینه‌های جاری یک خطای راهبردی است، تاکید می‌کند: اگر دولت‌ها به انتشار اوراق بدهی عادت کنند، در آینده پرداخت اصل و سود این اوراق گریبان دولت‌های بعدی را خواهد گرفت.

تاخیر در اقدامات اصلاحی دولت وانتخاب بین بد و بدتر

شقاق‌شهری با اشاره به اینکه دولت بین گزینه بد و بدتر ناگزیر به انتخاب گزینه بد شده است، انجام برخی اصلاحات را راهکار جایگزین انتشار اوراق مالی اسلامی می‌داند.او می‌گوید: دولت قصد دارد بازار بدهی ایجاد کند تا این ۸۰ هزار میلیارد تومان اوراق اسلامی منتشر شده و امکان معامله در این بازار را پیدا کنند. هدف، پوشش کسری بودجه است؛ درصورتی‌که اگر دولت سریع‌تر زیرساخت‌های لازم را برای توسعه پایه‌های مالیاتی، اصلاحات یارانه‌های پنهان و ساختارهای لازم برای مولدسازی دارایی‌های دولت انجام می‌داد، لازم نبود به سراغ اوراق بدهی برویم.

ادامه در صفحه ۶

اقتصاد

دهک

حذف یارانه نقدی؛ آری یا نه

جمال کلانکی

● پرداخت یارانه نقدی و غیرنقدی به خانوارها در قانون بودجه ۱۳۹۸ برای کمتر از ۷۶ میلیون نفر در نظر گرفته شده؛ ازاین‌رو، پرداخت یارانه نقدی به تمام افراد جامعه خلاف قانون است. همچنین در قانون یادشده، به‌صراحت حذف یارانه سه دهک بالای درآمدی به دولت تکلیف شده است.

شروع جراحی اقتصاد کشور با کام‌های کوچک

زمانی از قانون هفدمذنی یارانه‌ها به‌عنوان جراحی بزرگ اقتصاد ایران یاد می‌شد؛ اما دبیری بنیاید که تمکین‌نکردن به قانون و بی‌توجهی به بسترهای نهادی و واقعیت‌های اقتصاد ایران، این مهم را تبدیل به معضل کرد. توجه به رقم بودجه عمرانی کشور در سال ۱۳۹۸ که مبلغی کمتر از ۷۰ هزار میلیارد تومان است، در برابر رقم بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومانی یارانه نقدی به روشن‌شدن این معضل کمک می‌کند. از سال ۱۳۹۱ به این سو، دولت در تأمین نقدینگی مورد نیاز برای پرداخت ۴۵ هزار تومان یارانه نقدی ماهانه، با مشکل مواجه شد. در این سال‌ها نمایندگان مجلس، نخبگان اقتصادی و سیاسی، بعضاً پیشنهاد کاهش دامنه پوشش پرداخت یارانه نقدی را مطرح کردند و دولت و مجلس نیز تلاش‌هایی در این راستا انجام دادند، اما تاکنون نتوانسته‌اند تغییرات درخور توجهی ایجاد کنند.بر اساس قانون بودجه ۱۳۹۸، دولت موظف است در سال ۱۳۹۸ به‌طور متوسط به کمتر از ۷۶ میلیون نفر یارانه نقدی پرداخت کند. به همین منظور، دولت با محوریت وزارت تکاور در راستای تحقق تبصره ۱۴ قانون یادشده اقدام به شناسایی و حذف یارانه نقدی بخشی از سه دهک بالای درآمدی کرد. در این میان، بعضی از صاحب‌نظران اعم از نمایندگان و کارشناسان پیشنهاد می‌کنند دولت کسری بودجه خود را از روش‌های دیگری مانند صرفه‌جویی در سرفصل‌های هزینه‌ای، ارتقای سیستم مالیات‌ستانی و ساماندهی یارانه‌های پنهان تأمین کند. به همین منظور در ادامه به ارزیابی پیشنهادهای صدرالاشاره می‌پردازیم.

از رویا تا واقعیت پیشنهادهای جایگزین

● **۱. افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق افزایش پایه مالیاتی، ضرب مالیاتی و کاهش فشار مالیاتی:**مقدار مالیات‌های دریافتی دولت به درآمد ملی بستگی دارد؛ ازاین‌رو در شرایطی که یک تولید کشور همواره کوچک می‌شود، افزایش درآمدهای مالیاتی تا شرتب رونق و ازبین‌رفتن رکود حاضر، هزینه‌ای به‌مراتب بیشتر بر اقتصاد کشور تحمیل خواهد کرد. از دیگر سو، ارتقای سیستم مالیات‌ستانی به‌منظور کاهش قرار مالیاتی، هرچند از ضروری‌ترین اقدامات به شمار می‌آید؛ اما در کوتاهمدت و بدون ارتقای حکمرانی و توانمندسازی دولت امکان‌پذیر نخواهد بود.

● **۲. استقراض از بانک مرکزی:**این امر موجب افزایش بدهی‌های دولت به بانک مرکزی شده و تزریق نقدینگی به جامعه را به دنبال خواهد داشت. به بیان دیگر، نوعی مالیات توری محسوب می‌شود؛ زیرا تورم بیش از پیش را در پی دارد. بنابراین به نظر می‌رسد این راه‌حل نمی‌تواند پیشنهادی درست و منطقی باشد.

● **۳. ساماندهی یارانه‌های پنهان:** یکی از پیشنهادهایی که همواره ارائه می‌شود، ساماندهی و کاهش یارانه‌های پنهان یا به بیان دیگر افزایش قیمت حامل‌های انرژی است. رشد و توسعه همه‌جانبه بخش‌های اقتصادی کشور نیازمند قیمت‌های متعادل و متناسب حامل‌های انرژی با برنامه‌های توسعه‌ای کشور است؛ اما توجه به بستر نهادی و ساختاری در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. متعادل‌سازی قیمت‌های مزبور نیازمند یک دوره حداقل پنج‌ساله وجود ثبات اقتصاد کلان است. بنابراین در کوتاهمدت و در شرایط فعلی اقتصادی، این مهم نمی‌تواند راهگشا باشد؛ زیرا شرایط فعلی تاب شوک بزرگ قیمتی را ندارد.

● **۴. برداشت از صندوق توسعه ملی:**برسی تجربه حساب ذخیره ارزی نشان می‌دهد برداشت‌های غیربرنامه‌ای و بدون ضابطه، یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت این حساب بود. حال آنکه درباره صندوق توسعه ملی که مأموریت اصلی آن حفظ منافع بین سلسی است، تکرار تجربه دست‌اندازی‌های حساب ذخیره ارزی، نتیجه‌ای جز، خسران به دنبال نخواهد داشت.

● **۵. انتشار اوراق دولتی:**به باور بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران، انتشار اوراق در شرایط کنونی یکی از بهترین راه‌های پیش‌روی دولت برای افزایش درآمدهایش است؛ زیرا بردیش‌گرفتن این راهکار بسیار خواهد شد هم نقدینگی از سطح کشور جمع‌آوری شود و هم دولت درآمدهای درخور توجهی به دست آورد و آن را در پروژه‌های اقتصادی صرف کند. در این میان، توجه به دو نکته مهم است: اولاً این راه‌حل بخشی از کسری موجود را جبران خواهد کرد؛ ثانیاً درصورتی‌که این مبالغ صرف هزینه‌های جاری کشور شود، به‌منزله گروگان‌گیری دولت‌های آتی و فروش آینده است که هزینه بسیار گزافی برای کشور در پی دارد.

● **۶. کاهش هزینه‌ها:**با توجه به اینکه قریب به ۸۰ درصد بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۹۸ صرف هزینه‌های جاری می‌شود، جای که هزینه‌های جاری بر لزوم کاهش هزینه‌های جاری وجود ندارد؛ اما آیا این امر در کوتاهمدت و در شرایط فعلی اقتصاد سیاسی ایران به‌راحتی و بدون توجه به سایر اصلاحات اقتصادی و سیاسی امکان تحقق دارد؟ بدون شک پاسخ مثبت نخواهد بود.

ادامه در صفحه ۵